

فصلنامه مطالعات زبان و ترجمه (دانشکده ادبیات و علوم انسانی)، علمی - پژوهشی، شماره اول، بهار ۱۳۹۳

گرایش به سبک اسمی در متون ترجمه شده توضیحی

الناز پاکار (دانشجوی دکترای مطالعات ترجمه، دانشگاه فردوسی مشهد)

elnaz.pakar@yahoo.com

علی خزاعی فرید (دانشیار مطالعات ترجمه، دانشگاه فردوسی مشهد، نویسنده مسؤول)

khazaefarid@um.ac.ir

چکیده

در طول یکصد و پنجاه سال اخیر، در نتیجه ترجمه‌های بسیار زیادی که از زبان‌های دیگر، به‌ویژه انگلیسی، به زبان فارسی شده است، برخی از هنجارهای زبانی تغییر کرده‌اند یا دست‌کم دستخوش تغییر شده‌اند. سبک اسمی یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های نحوی زبان است که مانند هر ویژگی نحوی دیگر ممکن است از طریق ترجمه به زبان مقصد انتقال یابد؛ درحالی‌که به‌نظر می‌رسد در زبان فارسی، سبک غالب، سبک فعلی است. هدف از انجام تحقیق حاضر، یافتن پاسخ برای این سؤال است که با توجه به شیوه لفظ‌گرایی که در غالب ترجمه‌ها دیده می‌شود، آیا احتمال گرایش به سبک اسمی در متون ترجمه‌شده توضیحی وجود دارد. نتایج تحقیق نشان داد که در متون تألیفی و ترجمه‌های نویسندگان و مترجمان توانا، گرایش به سبک فعلی می‌باشد و فراوانی جملات اسمی بسیار کم است؛ ولی در ترجمه‌های مترجمان تازه‌کار، فراوانی جملات اسمی بیشتر است. همچنین، در این تحقیق، تعدادی از جملات اسمی را که در ترجمه‌های مترجمان تازه‌کار وجود داشت، به صورت فعلی نوشتیم و از ۱۳۰ نفر از دانشجویان خواستیم که تا آن صورتی را که به نظرشان فارسی‌تر و واضح‌تر می‌آید، انتخاب نمایند. نتیجه این بررسی نیز نشان داد که این افراد جملات فعلی را بر جملات اسمی ترجیح می‌دهند.

کلیدواژه‌ها: اسمی‌سازی، سبک اسمی، سبک فعلی، جمله اسمی، جمله فعلی.

۱. مقدمه

در طول یکصد و پنجاه سال اخیر، در نتیجه ترجمه‌های بسیار زیادی که از زبان‌های دیگر، به‌ویژه انگلیسی، به زبان فارسی صورت گرفته است، برخی از هنجارهای زبانی تغییر کرده‌اند یا دست‌کم دستخوش تغییر شده‌اند. از همین روی، انجام تحقیقاتی با هدف یافتن این تغییرات ضروری به‌نظر می‌رسد. یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های نحوی زبان، فرایند اسمی‌سازی^۱ است که مانند هر ویژگی نحوی دیگر ممکن است از طریق ترجمه، به زبان مقصد انتقال یابد. به‌نظر می‌رسد که در نثر فارسی (معاصر و متون توضیحی)، تمایل به استفاده از جملات فعلی در مقایسه با جملات اسمی بیشتر است و سبک غالب، سبک فعلی^۲ است؛ ولی در بعضی از ترجمه‌ها به‌علت لفظ‌گرایی و تبعیت از ساختارهای دستوری زبان مبدأ، فراوانی جملات اسمی افزایش یافته است و احتمال گرایش به سبک اسمی^۳ در ترجمه‌ها وجود دارد. زبان‌شناسان دربارهٔ مبحث اسمی‌سازی به‌تفصیل سخن گفته‌اند و از زوایای مختلف به این موضوع پرداخته‌اند. بحث درمورد این فرایند و دو سبک اسمی و فعلی، به رشتهٔ مطالعات ترجمه نیز مرتبط است و از منظرهای مختلف می‌توان به آن پرداخت؛ اما با توجه به نوپا بودن این رشته در ایران، تحقیق‌چندانی در این باره انجام نشده است و با توجه به اینکه دو سبک اسمی و فعلی، از مهم‌ترین سبک‌های مطرح‌شده در زبان انگلیسی هستند، دربارهٔ این موضوع بحث‌های زیادی در مقالات و کتاب‌ها شده است؛ ولی باینکه درعمل، در زبان فارسی از این دو سبک در متون مختلف استفاده می‌شود، به‌نظر می‌رسد که تاکنون در این باره بحث‌چندانی نشده و پژوهشی انجام نگرفته است. در این مقاله به بررسی فرایند اسمی‌سازی و دو سبک اسمی و فعلی در متون توضیحی زبان فارسی پرداخته می‌شود و موضوع احتمال گرایش به سبک اسمی در متون ترجمه‌شدهٔ توضیحی بررسی می‌شود. در این مقاله به‌دنبال پاسخی به این پرسش‌ها هستیم: در نثر فارسی (نثر معاصر و متون توضیحی)، تمایل به نوشتن جملات به کدام‌یک از دو شیوه بیشتر است: فعلی یا اسمی؟ در این متون زبان فارسی، سبک غالب کدام سبک است: فعلی یا اسمی؟

1. Nominalization
2. Verbal style
3. Nominal style

۲. بیان مسئله

از زمان آغاز ترجمه از زبان‌های خارجی به فارسی، در دوره معاصر، ترجمه بر شیوه نگارش فارسی اثر گذاشته است. برخی از این تأثیرات عبارت‌اند از: ساده‌نویسی (ناتل-خانلری و مستشارنیا، ۱۳۸۸)، ورود نوعی قید مانند متأسفانه، خوشبختانه، بدبختانه که مفهوم آن‌ها مرتبط با کل جمله است (ناتل‌خانلری و مستشارنیا، ۱۳۸۸)، افزایش تعداد افعال ناقل در متون روایی (نورا، ۱۳۸۹)، افزایش جملات مجهول (دین‌محمدی، ۱۳۷۵)، به‌وجود آمدن برخی از پیشوندها از قبیل فاقد، خلاف، ضد و غیره (دین‌محمدی، ۱۳۷۵) و مهم‌تر از همه، افزایش طول جمله (به‌ویژه در ترجمه‌ها) (فتح‌اللهی، ۱۳۸۹؛ خزاعی‌فرید، ۱۳۸۴). به‌طور کلی، در ترجمه، تداخل زبانی، انتقال ویژگی‌های زبانی زبان مبدأ به زبان مقصد است که امری اجتناب‌ناپذیر می‌باشد. این انتقال اگر باعث ایجاد الگوهای غیرعادی در زبان مقصد شود، منفی تلقی می‌گردد و در صورتی که این الگوها در زبان مقصد غیرعادی به حساب نیایند یا احیاناً مورد قبول واقع گردند، مثبت تلقی می‌شوند (ماندی، ۲۰۰۲).

یکی از تأثیرات ترجمه بر ساخت جمله فارسی، استفاده از سبک اسمی به جای سبک فعلی است. در زبان فارسی، فعل در انتهای جمله می‌آید؛ بنابراین، لازم است که هرچه زودتر جمله به پایان برسد تا بین نهاد و فعل فاصله زیادی نیفتد؛ اما در انگلیسی، فعل پس از نهاد و قبل از مفعول قرار می‌گیرد؛ در نتیجه، در بسیاری از موارد به دلیل تأکید، عمل اصلی به وسیله اسم که در اول جمله می‌آید، توصیف می‌شود (نیسبت^۱، ۲۰۰۳) و طبیعتاً طول جملات نیز بلندتر است.

در این تحقیق، منظور از جمله اسمی، جمله‌ای است که در آن جزئی از جمله با عبارت اسمی بیان شود؛ در حالی که امکان آن وجود داشته است که همان جزء با فعل نیز بیان گردد. این عبارت اسمی در جایگاه‌های دستوری مختلفی چون نهاد، مفعول، متمم فعل، متمم قید،

بدل، مضاف‌الیه و مسند به کار می‌رود. در اینجا، چند نمونه از عبارت اسمی را در جایگاه‌های نهاد، مفعول و متمم می‌آوریم:

جایگاه نهاد:

* متحدبودن همه ما بدیهی است.

بدیهی است که ما همه متحد هستیم.

* مأموریت رفتن دو تن از کارمندان مسلم شد.

مسلم شد که دو تن از کارمندان به مأموریت رفته‌اند.

جایگاه مفعول:

* متحدشدن اعضای این طبقه را باور نمی‌کردیم.

باور نمی‌کردیم که اعضای این طبقه متحد شوند.

* مشغول به کار شدنش را در نامه نوشته بود.

در نامه نوشته بود که مشغول کار شده است.

جایگاه متممی:

* از آلوده شدن به گناه می‌ترسم.

می‌ترسم که به گناه آلوده شوم.

* از مدیرکل شدن پدرش خوشحال است.

خوشحال است که پدرش مدیرکل شده است.

مشکوٰۃ‌الدینی (۱۳۸۵) مثال‌هایی از گروه مصدری را که در جایگاه‌های نهاد، مفعول و

متمم به کار رفته‌اند، ارائه می‌دهد:

گروه مصدر در جایگاه نهاد: رویدن گیاهان در آغاز بهار دوباره به طبیعت سرسبزی

می‌دهد.

گروه مصدر در جایگاه مفعول صریح: برخی مردم کتاب

خواندن را دوست دارند.

گروه مصدر در جایگاه متمم: خوب است که برخی مردم به کتاب خواندن عادت دارند.

منظور از جمله فعلی جمله‌ای است که در آن، عمل اصلی به وسیله فعل بیان شود؛ مثال: گیاهانی که در آغاز فصل بهار می‌رویند، به طبیعت سرسبزی می‌دهند (با این جمله اسمی مقایسه کنید: رویدن گیاهان در آغاز بهار به طبیعت سرسبزی می‌دهد).

به نظر می‌رسد که در زبان فارسی، سبک غالب، سبک فعلی است؛ سبکی که در آن از جملات کوتاه استفاده می‌شود و صورت فعلی یک عبارت به صورت اسمی آن ترجیح داده می‌شود؛ اما در ترجمه‌ها، به خصوص در ترجمه‌های لفظ‌گرا به دلیل اینکه مترجم از ساختارهای دستوری زبان مبدأ استفاده می‌کند، فراوانی جملات اسمی افزایش می‌یابد. (این جمله را مقایسه کنید با جمله: در ترجمه‌های لفظ‌گرا به علت استفاده مترجم از ساختارهای دستوری زبان مبدأ، فراوانی جملات اسمی افزایش می‌یابد). لفظ‌گرایی ناشی از عوامل متعدد چون شتابزدگی و کمبود وقت مترجم، سنت غالب در ترجمه و یا عدم تسلط مترجم بر زبان فارسی می‌باشد (نجفی، ۱۳۶۱).

برای درک بیشتر موضوع مقاله، به چند جمله زیر توجه کنید. این جملات از چند صفحه اولیه یک ترجمه چاپ شده انتخاب شده‌اند. در این جملات مترجم تحت تأثیر متن اصلی، ساختار جمله نویسنده را به عاریت گرفته، در نتیجه عبارات اسمی عیناً به جمله فارسی منتقل شده، حال آن‌که اگر نویسنده این جملات را بر وفق طبیعت فارسی می‌نوشت جملات را این-گونه آغاز نمی‌کرد یا به پایان نمی‌رساند بلکه ساختار دیگری (احتمالاً ساختار فعلی) بکار می‌گرفت:

- او موجود نبودن واژگانی برای توصیف لحن و صدا در شعر این گروه بویژه شعر سیلویا پلات را علت اصلی می‌داند. (به اعتقاد او علت اصلی این است که در شعر این گروه بویژه در شعر سیلویا پلات واژگانی برای توصیف لحن و صدا وجود ندارد.)

- ما فاقد فرهنگ نقد کردن هستیم. در نتیجه به جای متقاعد کردن به توسل جستن به زور تمایل نشان می‌دهیم. (ما فرهنگ نقد کردن نداریم. در نتیجه ترجیح می‌دهیم به زور متوسل بشویم تا متقاعد کنیم).
- تنها با پذیرفتن این حقیقت که نوشته‌های او سرشار از تضاد است می‌توانیم به درک بهتری از شعر او برسیم. (فقط اگر بپذیریم که نوشته‌های او سرشار از تضاد است می‌توانیم به درک بهتری از شعر او برسیم).
- کشف سیلویا پلات «واقعی» و کشف دلیل واقعی او برای خودکشی غیرممکن است. (غیرممکن است بتوانیم سیلویا پلات «واقعی» و دلیل واقعی او را برای خودکشی کشف کنیم).
- زنان نسل دیگر از این مجموعه شعر به عنوان ابراز احساسات صریح و صادقانه استقبال می‌کند. (زنان نسل دیگر این مجموعه شعر را بیان احساسات صریح و صادقانه می‌دانند و از آن استقبال می‌کنند).
- تطبیق پیدا کردن با زندگی به شیوه انگلیسی بسیار سخت بود. (برایش بسیار سخت بود که خود را به شیوه زندگی انگلیسی عادت بدهد).
- واقعیت ساده مدیریت زندگی خانوادگی بار عظیمی بود که باید روزانه به دوش می‌کشید. (هر روز می‌بایست بار عظیم زندگی خانوادگی را به دوش می‌کشید).

۳. پیشینه تحقیق

در غرب، در میان ادبا، بحث درباره سبک بسیار پر دامنه بوده است. زبان‌شناسان نیز به بحث درباره سبک علاقه نشان داده‌اند؛ به طوری که می‌توان مقالات مربوط به سبک را به دو دسته کلی مقالات ادبی و مقالات زبان‌شناختی سبک تقسیم کرد. هر دسته از محققان نحوه نگرششان به سبک و در نتیجه، تعریفشان از سبک متفاوت است. اخیراً محققان رشته مطالعات ترجمه نیز به بحث سبک علاقه‌مند شده‌اند و مایل هستند تا با توجه به امکاناتی که پیکره‌های تک‌زبان و دو یا چندزبان در اختیار آن‌ها قرار می‌دهند، ویژگی‌های سبک را به شیوه‌ای

کمی بررسی کنند. در میان ادبای ایران، علاقه به سبک عمدتاً در ارائه تعاریف مختلف و تقسیم‌بندی دوره‌های مختلف تحول سبک در نثر و نظم و بحث درباره ویژگی‌های متمایز سبک هر دوره نمود یافته است. به‌طور کلی، برای سبک دو تعریف وجود دارد که تفاوت بسیار ظریفی دارند: ۱. سبک نویسنده؛ ۲. سبک متن. به گفته لیچ و شورت (۱۹۸۱)، به‌نقل از خزاعی فرید، (۱۳۸۹، ص. ۹۴)، «در حوزه ادبیات، سبک به دو معنی به‌کار می‌رود، سبک گاهی به عادت‌واره^۱ نویسنده اشاره دارد که سبک فردی نویسنده است و گاه به شیوه‌ای که زبان در یک ژانر خاص، دوره خاص یا مکتب خاص به‌کار می‌رود».

با توجه به تعاریفی که از جمله اسمی و فعلی ارائه دادیم، سبک اسمی و سبک فعلی به این صورت تعریف می‌شوند: سبک اسمی: سبکی است که در آن فراوانی جملات اسمی در مقایسه با جملات فعلی بیشتر است. سبک فعلی: سبکی است که در آن فراوانی جملات فعلی در مقایسه با جملات اسمی بیشتر است. این دو سبک می‌توانند به‌دلیل سبک غالب متن باشند؛ همانند متون علمی و نیز به‌دلیل سبک نویسنده متن.

در زبان انگلیسی، مقالات مختلفی درباره مقوله‌های اسمی‌سازی، سبک اسمی و سبک فعلی نوشته شده است. در اینجا، به‌اختصار به برخی از مقالاتی که به حوزه ترجمه و به بحث ما مربوط می‌شود، اشاره می‌کنیم. به عقیده ولز^۲ (۱۹۶۰)، برخی از پژوهشگران و ادبا به دلایل زیر جملات اسمی را بر جملات فعلی ترجیح می‌دهند: ۱. مفاهیم متنوع را راحت‌تر می‌توان با جملات اسمی بیان کرد؛ ۲. سبک اسمی سبکی خشک‌تر و غیرشخصی‌تر است و بنابراین، بیشتر در متون رسمی و نوشته‌های علمی به‌کار می‌رود. پژوهشگران دیگری نیز نکات مثبت متعددی را در مورد این سبک بیان نموده‌اند. به‌باور کوئیرک^۳ (۱۹۸۵)، وقتی نویسنده‌ای جمله‌ای را به این سبک بیان می‌کند، تعهدی نسبت به درستی ادعای خود ندارد؛ زیرا، عامل عمل (نهاد) مشخص نیست و نوعی ابهام در ذهن خواننده ایجاد می‌شود. مکدونالد^۴ (۱۹۹۴) تصریح

-
1. Habitus
 2. Wells
 3. Quirk
 4. MacDonald

می‌کند که عبارات اسمی در مقایسه با عبارات فعلی، به علت کوتاه‌تر بودن، در نوشته‌های علمی که سبک موجزی دارند، کاربرد بیشتری دارند. همچنین، هومز^۱ (۱۹۸۸) می‌نویسد که در سبک اسمی، جملات، بی‌طرفانه بیان می‌شوند.

بایبر^۲ (۱۹۸۸) برای تعیین فراوانی عبارت اسمی در متون مختلف، مقوله‌های مختلف گفتار (از جمله مکالمات تلفنی) و نوشته‌های غیرعلمی و علمی را بررسی و تحلیل نمود. نتایج این تحقیق نشان داد که اسمی‌سازی یکی از مؤلفه‌های مهم زبانی است که بیشتر در نوشته‌های علمی به کار می‌رود. چارلز^۳ (۲۰۰۳) نیز در واکاوی پیکره‌های زبانی به این نتیجه رسید که فراوانی عبارت‌های اسمی در متون سیاسی بیش از متون علمی است.

نیسبت (۲۰۰۳) تمایل به استفاده از اسم و فعل را در میان شرقیان و غربیان بررسی کرد. وی با بررسی‌های تاریخی و انجام آزمایش‌های گسترده روان‌شناختی به این نتیجه رسید که غربی‌ها در مقایسه با شرقی‌ها، بیشتر به اسم‌سازی تمایل دارند. جنتز^۴ (۱۹۸۱) مدعی شد که به‌طور کلی، کودکان فعل را دیرتر از اسم می‌آموزند؛ ولی برخلاف نظر جنتز، تاردیف (۱۹۹۶) نشان داد که به دلیل سبک زبانی، در کودکان شرقی سرعت یادگیری اسم‌ها و فعل‌ها برابر است. برخی از پژوهشگران نیز در زمینه سبک فعلی تحقیق کرده‌اند و از جمله امتیازات سبک فعلی بر سبک اسمی را برشمرده‌اند. ولز (۱۹۶۰) به دلایل زیر سبک فعلی را به سبک اسمی ترجیح می‌دهد: ۱. اسم‌ها ایستاتر هستند و وضوح کمتری نسبت به افعال دارند؛ ۲. جملاتی که با عبارات اسمی نوشته می‌شوند، طولانی‌تر هستند؛ در نتیجه، وضوح کمتری دارند و درک آن‌ها نسبت به جملات کوتاه‌تر سخت‌تر است؛ ۳. متنی که همه یا بیشتر جملات آن با ساختاری پایه نوشته شده باشد، معمولاً یکنواخت و خسته‌کننده است؛ اما جملاتی که با ساختار فعلی نوشته می‌شوند، تنوع بیشتری دارند. زینسر^۵ (۱۹۸۰) نیز معتقد است که استفاده بیش از حد از عبارت‌های اسمی موجب می‌شود که جملات متن مرده و بدون روح به نظر برسند. به نظر

1. Holmes
2. Biber
3. Charles
4. Genter
5. Zinsser

کیرکمن و ترک^۱ (۱۹۸۲)، کاربرد زیاد عبارات اسمی موجب کم شدن تأثیر و انرژی نوشته می-شود.

در پژوهشی، بسشن و ترینگ^۲ (۱۹۸۷) میزان درک و فهم و همچنین، سرعت خواندن پژوهشگران را در دو سبک نگارش سبک اسمی و سبک معلوم نویسی (در مقایسه با مجهول-نویسی) مقایسه کردند. مکدونالد (۱۹۹۴) معتقد است که استفاده از عبارات اسمی باید محدود شود؛ زیرا، درک آن در مقایسه با سبک فعلی دشوارتر است. به عقیده اسمیت و برنهارت^۳ (۱۹۹۷)، جملات فعلی دقیق تر، صریح تر و کوتاه تر هستند. روتکاسکی^۴ (۲۰۰۶) نیز تأکید می کند که کاربرد عبارات اسمی همیشه بد نیست؛ اما کاربرد زیاد آن ها جمله را ثقیل می-کند.

در حوزه مطالعات ترجمه، بیکر (۲۰۱۱، به نقل از ماندی، ۲۰۰۲) در زمینه ایده پردازی^۵ مدل هلیدی تحقیقات بسیاری انجام داده است و زبان های مختلف را از لحاظ جملات اسمی و فعلی مقایسه نموده و به این نتیجه رسیده است که هر زبان باید از سبک غالب در نگارش خود تبعیت کند؛ به عنوان مثال، غالب جملات در متون علمی زبان پرتغالی و عربی به شکل فعلی بیان می شوند؛ در حالی که در ترجمه همین جملات به زبان انگلیسی، به پیروی از سبک حاکم بر این زبان، باید به شکل اسمی نوشته شوند. از نظر بیکر (۲۰۱۱، به نقل از ماندی، ۲۰۰۲)، استفاده بجا از جملات اسمی و فعلی نشان دهنده انتخاب آگاهانه زبانی نویسندگان و مترجمان است.

درباره موضوع اسمی سازی و عبارات اسمی در حوزه تحلیل گفتمان نیز بحث شده است که برای اولین بار، فاولر^۶ (۱۹۷۹) این موضوع را در حوزه یاد شده مطرح نمود. از نظر تحلیل-گران گفتمان چون فرکلایف^۷ (۱۹۹۲) و فاولر، هاج، و ترو (۱۹۷۲)، کاربرد عبارت اسمی در

-
1. Kirkman & Turk
 2. Boston & Thering
 3. Smith & Bernhardt
 4. Rutkowski
 5. Ideational
 6. Fowler
 7. Fairclough

جایی که امکان استفاده از عبارت فعلی وجود دارد، چندان پسندیده نیست؛ زیرا، در جمله اسمی، عامل عمل حذف می‌گردد و در جمله ابهام و پوشیدگی ایجاد می‌شود و نوع تصویری که اسم در ذهن افراد ایجاد می‌کند، با فعل متفاوت است و به تدریج، ذخیره شناختی و ادراکی زبان را در ذهن تحت تأثیر قرار می‌دهد و این، در نهایت رفتار اهل زبان را تغییر می‌دهد.

در زبان فارسی، درباره جملات اسمی و فعلی بسیار مختصر بحث شده است. در کتاب *پیدایش رمان فارسی*، بالائی در بخشی از مقایسه ساختاری که در مورد ترجمه *بینویان* از چند نویسنده مختلف (بهار، اعتصام‌الملک و حسین‌قلی مستعان) می‌کند، در مورد ترجمه حسین‌قلی مستعان چنین می‌گوید: «زبانی که مستعان به کار گرفته زبانی است حساس و چابک که افعال را بر عبارت‌های اسمی ترجیح می‌دهد» (بالائی، ۱۳۷۷، ص. ۱۱۹). نوری کلخوریان (۱۳۵۴) تحول سبک زبان روزنامه در نیم‌قرن اخیر (۱۳۰۴ تا ۱۳۵۴) را از دیدگاه واژگانی و دستوری و در سه دوره زمانی بررسی نموده است؛ برای مثال، در دوره سوم که از ۱۳۲۰ (آغاز اشغال ایران به دست قدرت‌های بیگانه) تا ۱۳۵۰ را در برمی‌گیرد، گروه‌های اسمی وام‌گرفته‌شده از زبان‌های بیگانه وارد زبان فارسی شده‌اند.

پژوهش حاضر در چارچوب حوزه مطالعات توصیفی ترجمه قرار می‌گیرد. طبق تعریف هومز^۱ (۱۹۸۸)، مطالعات توصیفی ترجمه یکی از زیربخش‌های مطالعات محض ترجمه است و هدف از این شاخه عبارت است از «توصیف پدیده ترجمه و ترجمه‌کردن، چنانکه ما در دنیای تجارب خویش می‌شناسیم» (ص. ۱۷). این نوع مطالعه، چنان نقش مهمی در ترجمه دارد که از نظر توری، در تحول شاخه توصیفی ترجمه، شرط اول تکامل مطالعات ترجمه به صورت علمی و تجربی است (لاویسا، ۱۹۹۸). ما نیز در این مقاله کوشیده‌ایم تا در قالب مطالعات توصیفی و با استفاده از پیکره‌های زبانی، گرایش به سبک اسمی را در متون ترجمه-ای توضیحی بررسی نماییم. مطالعات مبتنی بر پیکره‌های زبانی، در حوزه مطالعات ترجمه نقطه عطف محسوب می‌شوند. چسترمن (۲۰۰۰) معتقد است که تحقیقات توصیفی پیکره‌محور یکی از مهم‌ترین پیشرفت‌های روش‌شناسی در مطالعات ترجمه در قرن اخیر بوده‌اند.

۴. روش تحقیق

در گام اول، برای پاسخ به این سؤال که در زبان فارسی (نثر معاصر و متون توضیحی)، تمایل به نوشتن جملات به کدامیک از دو شیوه فعلی یا اسمی بیشتر بوده است، پیکره‌ای کوچک از متون تألیفی فارسی (متون توضیحی) را انتخاب کردیم. این متون از میان کتب تألیفی به زبان فارسی، از حدود صد سال پیش که دوره ساده‌نویسی (بهار، ۱۳۸۱) نثر فارسی است، انتخاب شد. دوره معاصر نثر فارسی را به سه دوره تقسیم کردیم و از هر دوره چند نمونه برجسته و ارزشمند را انتخاب نمودیم و سه پیکره تشکیل دادیم: دوره اول دوران مشروطه را در برمی‌گیرد. این دوران آغاز نهضت ترجمه است؛ ولی ترجمه در این دوره هنوز چندان رونق نیافته است و بر شیوه نگارش فارسی اثر محسوسی نگذاشته است. کتاب‌های انتخاب‌شده از این دوره عبارت‌اند از: *مسالک‌المحسنین* اثر عبدالرحیم طالبوف، *تاریخ بیداری ایرانیان* اثر ناظم‌الاسلام کرمانی و *خاطرات حاج سیاح* اثر محمدعلی سیاح؛ دوره دوم از بعد از مشروطه تا حدود سال ۱۳۲۰ را در برمی‌گیرد. در این دوره، ترجمه رونق یافته است؛ ولی بیشتر ترجمه‌ها به دست ادیبان انجام شده و ترجمه چندان همگانی نشده است. تألیفاتی که از دوره دوم برگزیدیم عبارت‌اند از: *سیر حکمت در اروپا* اثر محمدعلی فروغی و *سبک‌شناسی* اثر محمدتقی بهار؛ دوره سوم از سال ۱۳۲۰ به بعد را در برمی‌گیرد. در این دوره، ترجمه رونق زیادی یافته است. کتبی که از این دوره انتخاب کردیم، نوشته ادیبان زبان فارسی است. این کتاب‌ها عبارت‌اند از: *هفتاد سخن: فرهنگ و اجتماع* اثر پرویز ناتل خانلری، *ذکر مناقب حقوق بشر در جهان سوم* اثر محمدعلی اسلامی ندوشن، *نه شرقی، نه غربی - انسانی* اثر عبدالحسین زرین‌کوب، *برگ‌هایی در آغوش باد* اثر غلامحسین یوسفی و *آزادی و آزادی فکری* اثر مجتبی مینوی. از هر یک از این کتاب‌ها، ۵۰۰ جمله (معادل ۶۰ صفحه) انتخاب نمودیم و سبک هر نوشته را از لحاظ اسمی و فعلی بودن بررسی کردیم.

برای تحقیق در مورد فرضیه دوم خود، پیکره‌ای از متون ترجمه‌شده نیز تشکیل دادیم. متون ترجمه‌شده را نیز به دو دسته کلی تقسیم کردیم: ۱. کتاب‌هایی که مترجمان آن‌ها توانا و نامدار هستند و به اعتقاد ادبا و محققان، بر زبان فارسی مسلط هستند؛ ۲. پیکره‌ای از ترجمه-

های مترجمان تازه‌کار. از این کتاب‌ها نیز همانند کتاب‌های تألیفی ۵۰۰ جمله (معادل ۶۰ صفحه) انتخاب کردیم و بررسی نمودیم.

کتاب‌های ترجمه‌دسته اول را نیز با کمک اساتید ادب فارسی برگزیدیم که عبارت‌ند از: آگاهی و جامعه ترجمه عزت‌اله فولادوند، متفکران روس ترجمه نجف دریابندری، علم و دین ترجمه بهاء‌الدین خرمشاهی، فلسفه صورت‌های سمبلیک: اندیشه اسطوره‌ای ترجمه یداله موقن.

در کنار بررسی این ترجمه‌ها، ۲۶ جمله از جملات اسمی را از ترجمه‌های چاپ‌شده استخراج نمودیم و برای هر جمله گزینه دیگری که صورت فعلی همان جمله بود آوردیم. این جملات را در بافت کوتاهی از متن قرار دادیم تا موضوع تحقیق به راحتی حدس زده نشود و سپس، در اختیار ۱۳۰ نفر از دانشجویان قرار دادیم و از هر دانشجو خواستیم تا دو مورد از جملات را بخواند و گزینه‌ای را که به نظرش سلیس‌تر و فارسی‌تر می‌رسد، انتخاب کند. هدف این بود که اولویت صورت فعلی بر صورت اسمی را با استفاده از شم زبانی اهل زبان نیز بررسی کنیم.

۵. بحث و نتیجه‌گیری

در پیکره متون تألیفی، جملات اسمی قابل تبدیل به جملات فعلی بسیار کم بودند؛ برای مثال، در سه کتاب *مسالك المحسنين*، *تاریخ بیداری ایرانیان* و *خاطرات حاج سیاح*، به ترتیب ۲، ۴ و ۳ مورد جمله اسمی قابل تبدیل به جمله فعلی پیدا شد. از بررسی این موارد چنین برمی‌آید که اولاً؛ در زبان فارسی، جملات اسمی قابل تبدیل به جملات فعلی وجود دارند؛ اما اندک هستند. وقتی که این جملات در نوشته بزرگان ادب فارسی دیده می‌شوند، نشان می‌دهد که چنین جملاتی در زبان فارسی وجود دارند؛ مانند جملات مجهول که در فارسی قدیم وجود دارند؛ اما کاربرد آن‌ها بسیار محدود است. نکته دیگر این است که این جملات هرگاه به کار می‌روند، توزیع درستی دارند؛ یعنی، برای تأکید یا برجسته‌سازی نقشی کلامی ایفا می‌کنند.

یافته‌های پیکره اول متون ترجمه‌شده که از کتاب‌های مترجمان سرشناس و مسلط به زبان فارسی است، نشان می‌دهد که تغییر محسوسی صورت نگرفته است و این مترجمان نیز همانند نویسندگان برجسته ایران به استفاده از سبک فعلی تمایل نشان می‌دهند. یافته‌های پیکره دوم متون ترجمه‌شده که مترجمان تازه‌کار محسوب می‌شوند، نشان می‌دهد که فراوانی جملات اسمی به‌طور محسوسی در مقایسه با متون تألیفی بیشتر است. لازم است ذکر شود که با توجه به تحقیقاتی که محققان دیگر انجام داده‌اند و در بخش پیشینه تحقیق به آن‌ها اشاره شد، می‌دانیم که تمایل به اسمی‌نویسی در نوشته‌های غربیان بسیار زیاد است (نیسبت، ۲۰۰۳؛ تاردیف، ۱۹۹۶) و همچنین، می‌دانیم که این شیوه نگارش در متون توضیحی بسیار مرسوم است (بایبر، ۱۹۸۸)؛ در نتیجه، به‌طور کلی، این فرض را بدیهی قلمداد می‌کنیم که هر دو گروه از مترجمان، اعم از سرشناس و غیرسرشناس، با متون علمی که بسیاری از جملات آن‌ها به‌صورت اسمی نوشته شده‌اند، سر و کار داشته‌اند؛ اما به‌نظر می‌رسد که معیار مترجمان توانا برای به‌کارگیری جملات اسمی، نقش کلامی آن‌ها بوده است و برای مترجمان تازه‌کار، صرف وجود آن عبارات در متن اصلی عامل به‌کارگیری آن جملات شده است. تعداد این جملات در ترجمه‌های این دسته از مترجمان به‌طور محسوسی (در مجموع، ۸۳ جمله) از تعداد جملات اسمی در ترجمه‌های مترجمان توانا (در مجموع، ۲۳ جمله) بیشتر است.

در مرحله نهایی، برای اینکه ببینیم آیا شم فارسی‌زبان جمله فعلی را بر جمله اسمی ترجیح می‌دهد، ۲۶ جمله از جملات اسمی را از ترجمه‌های چاپ‌شده استخراج نمودیم و از ۱۳۰ دانشجو خواستیم تا گزینه‌ای را که به نظرشان سلیس‌تر و فارسی‌تر می‌رسد، انتخاب نمایند. از هر دانشجو خواستیم تا فقط در مورد ۲ جمله نظر دهد. چند نمونه از این جملات به‌صورت زیر است:

- او بر تلاش دولت برای زدودن جامعه از هیجان‌ها، تعصب‌ها و خصومت‌های کور تأکید می‌کند.

(تأکید می‌کند که دولت در تلاش است تا هیجان‌ها، تعصب‌ها و خصومت‌های کور را از جامعه بزدايد.)

- گمان می‌کند که مالکین نادان و کوتاه فکر، برای واگذارکردن ارواح مرده‌هایشان در قبال پولی ناچیز، بسیار مشتاق باشند. (گمان می‌کند که مالکین نادان و کوتاه فکر بسیار مشتاقند که ارواح مرده‌هایشان را در قبال پولی ناچیز واگذار کنند).
- آماده‌بودن برای یک سخنرانی می‌تواند شما را در ارائه بهتر موفق کند.
(اگر برای سخنرانی خود را آماده کنید، بهتر می‌توانید سخنرانی خود را ارائه کنید).
- ... خطر، سپردن کنترل جامعه به فناوری‌های قدرتمند و جدید را گوشزد می‌کند.
(می‌گوید خطرناک است که کنترل جامعه را به فناوری‌های قدرتمند و جدید بسپاریم).
- گرچه هاک از قانونی‌بودن یا اخلاقی‌بودن کمک به یک برده فراری مطمئن نیست، با جیم همراه می‌شود.
(گرچه هاک نمی‌داند کمک به یک برده فراری کاری اخلاقی یا قانونی است با جیم همراه می‌شود).
- او پس از رسیدن به شهری کوچک، به سرعت سعی بر آن دارد که با تحت‌تأثیر قراردادن تعدادی از مقامات رده پایین شهر برای خود اسم و رسمی به هم بزند.
(پس از اینکه به شهری کوچک می‌رسد، به سرعت سعی می‌کند تعدادی از مقامات رده پایین شهر را تحت‌تأثیر قرار داده و برای خود اسم و رسمی به هم بزند).
- الیزابت هم قول رفتن به خانه جدیدشان را می‌دهد.
(الیزابت هم قول می‌دهد که به خانه جدیدشان برود).
- پس از مدت کوتاهی، از طریق نامه اقرار می‌کند که بینگلی را مجبور به فاصله‌گرفتن از جین کرده و دلیلش جدی‌نبودن عشق آن‌ها است.
(پس از مدت کوتاهی، از طریق نامه اقرار می‌کند که بینگلی را مجبور کرده از جین فاصله بگیرد؛ چون، عشقشان جدی نیست).
- استر تلاش می‌کند که ریچارد را مجاب به دنبال‌نکردن پرونده جارندایس کند.
(استر تلاش می‌کند ریچارد را مجاب کند که پرونده جارندایس را دنبال نکند).
- وقتی تنها شدند، از این فرصت برای ابراز نصیحت‌های هوشمندانه استفاده کرد.

(وقتی تنها شدند، از فرصت استفاده کرد تا چند نصیحت هوشمندانه به او بکند.) نتیجه این بررسی نشان داد که ۹۱٪ از دانشجویان، جملاتی را که به شکل فعلی بودند، از نظر «فارسی بودن»، به عنوان جمله بهتر انتخاب کردند. نتایج تحقیق حاضر نشان داد که در نثر نویسندگان برجسته زبان فارسی دوران معاصر و همچنین، در ترجمه‌های مترجمان سرشناس و آشنا به زبان فارسی که در این مقاله بررسی شدند، تمایل به نوشتن جملات فعلی بر تمایل به نوشتن جملات اسمی غالب است و فراوانی جملات اسمی کم است. در واقع، در زبان فارسی، جملات اسمی به دلیل ماهیت این زبان کاربرد کمی دارند و همین کاربرد کم باعث شده است که توزیع آن‌ها در متن، یا نقش سبکی داشته باشد یا نقش‌های کلامی خاصی را ایفا کنند. همچنین، وجود تعداد زیادی جمله اسمی در ترجمه‌های مترجمان تازه‌کار، بیانگر این حقیقت است که این جملات تحت تأثیر متن اصلی نوشته شده‌اند. این دسته از مترجمان یا گمان می‌کنند که انتقال ساخت متن اصلی به ترجمه نشانه وفاداری به سبک نویسنده است، یا اینکه اساساً توان پیدا کردن ساختی معادل آن در زبان فارسی را ندارند؛ بنابراین، عین ساخت متن اصلی را به ترجمه منتقل می‌کنند و در نتیجه، ساخت‌های اسمی متن اصلی به ساخت‌های اسمی مشابه در متن ترجمه شده تبدیل می‌شوند.

تراکم جملات اسمی فقط در متون ترجمه شده نیست؛ بلکه در متون تألیفی نیز چنین جملاتی فراوان دیده می‌شوند. این نکته بیانگر این حقیقت است که جمله اسمی مانند دیگر عناصر زبانی که از طریق ترجمه وارد متون ترجمه شده می‌شود، به تدریج از متون تألیفی سر درمی‌آورد. درباره میزان و نقش جملات اسمی در متون تألیفی‌ای که عمدتاً نویسندگان کم-اطلاع از ساز و کار زبان فارسی می‌نویسند، باید جداگانه تحقیق شود.

کتابنامه

- بالائی، ک. (۱۳۷۷). *پیدایش رمان فارسی* (م. قویمی، و ن. خطاط، مترجمان). تهران: انتشارات معین.
 بهار، م. (۱۳۸۱). *سبک شناسی یا تاریخ تطور نثر فارسی* (جلد ۲). تهران: انتشارات زوار.
 خزاعی فرید، ع. (۱۳۸۴). *نقد ترجمه: در هزار تو*. مترجم، ۴ (۴۰)، ۳۴-۳۸.

- خزاعی فرید، ع. (۱۳۸۹). سبک نویسنده - سبک مترجم. *مهرنامه*، ۷، ۹۶-۹۴.
- دین محمدی، م. ع. (۱۳۷۵). تأثیر ترجمه بر دستور و واژگان زبان فارسی (پایان نامه کارشناسی ارشد منتشر نشده). دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران.
- فتح‌اللهی، م. (۱۳۸۹). تأثیر ترجمه رمان‌های مدرن انگلیسی بر هنجار سبکی طول جمله در رمان فارسی: مورد پژوهشی نه رمان فارسی و سه رمان انگلیسی (پایان نامه کارشناسی ارشد منتشر نشده). دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران.
- مشکوه‌الدینی، م. (۱۳۸۵). گروه مصدری و ویژگی‌های ساختی و کارکردی آن در جمله. *دستور: ویژه-نامه فرهنگستان*، ۲، ۸۶-۱۰۱.
- ناتل خانلری، پ. و مستشارنیا، ع. (۱۳۸۸). *دستور تاریخی زبان فارسی*. تهران: انتشارات توس.
- نجفی، ا. (۱۳۶۱). مسئله امانت در ترجمه. *نشر دانش*، ۱۳، ۱۳-۵.
- نورا، م. (۱۳۸۹). *تحول افعال ناقل در متون روایی زبان فارسی در اثر ترجمه* (پایان نامه کارشناسی ارشد منتشر نشده). دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران.
- نوری کلخوران، ح. (۱۳۵۴). طرح و بررسی تحول سبک زبان روزنامه در نیم قرن اخیر از دیدگاه دستور و واژگان (پایان نامه دکتری منتشر نشده). دانشگاه تهران، تهران، ایران.
- Biber, D. (1988). *Variation across speech and writing*. Cambridge: Cambridge University Press.
- Bostion, H., & Thering, A. (1987). *Scientist: Can they read what they write?* *Departement of Agricultural Journalism*. Madrison: University of Wiscosin.
- Charles, M. (2003). A corpus-based study of the use of nouns to construct stance in theses from two contrasting disciplines. *Journal of English for Academic Purpose Education*, 2(4), 313-326.
- Chesterman, A. (2000). A casual model for translation studies. In M. olohan (ed.), *Intercultural Faultlines. Research models in translation studies 1: Textual and cognitive aspects* (pp. 15-27). Manchester, England: St. Jerome.
- Fairclough, N. (1992). *Discourse and social change*. Cambridge: Polity Press.
- Fowler, R. (1972). *Language in the news*. London, England: Routledge.
- Fowler, R., Hodge k., & Trew, T. (1979). *Language and social control*. London, England: Routledge.
- Genter, D. (1981). Some interesting differences between nouns and verbs. *Cognitive and Brain Theory*, 4, 161-78.
- Holmes, J. S. (1988). The cross-temporal factor in verse translation. *Translated papers on Literary translation and Translation Studies* (pp. 35-44). Amsterdam.
- Kirkman, J., & Turk, C. (1982). *Effective writing*. New York, NY: Spon.

- Laviosa, S. (1998). *The corpus-based approach: A new paradigm in translation studies*. *Meta*, 43(4), 1-6.
- MacDonald, S. (1994). *Professional academic writing in humanities and social sciences*. Carbondale and Edwardsville: Southern Illinois University Press.
- Munday, J. (2002). *Introducing translation studies: Theories and application*. London, England: Routledge.
- Nisbett, R. (2003). Is the world made up of nouns or verbs? *Selected from The geography of thought* (pp.137-65). London, England: Nicholas Brealey Publishing.
- Quirk, R. (1985). *Foundation of cognitive grammar*. Stanford, CA: Stanford University Press.
- Rutkowski, A. (2006). Don't use three words when one will do: Polish your language skills. *Edmond Journal*, 3(4), 14-30.
- Smith, E. & Bernhardt, S. (1997). *Writing at work: professional writing skills for people on the job*. Lincolwood, USA: NTC Publishing Group.
- Tardif, T. (1996). Nouns are not always learned before verbs: Evidence from Mandarin-speakers' early vocabularies. *Developmental Psychology*, 32, 492-504.
- Wells, R. (1960). Nominal and Verbal Style. In T. Sebeok (ed.), *Style in language* (pp. 213-220). New York: MIT Press.
- Zinsser, W. (1980). *On writing well*. New York, NY: Harper.